

تحلیل عملکرد شهرهای جدید در نظام شهری کشور

محمد اکبرپور سراسکانرود، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، ایران*
مهديه میرزاجایی، دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران ایران

چکیده

مقوله احداث شهرهای جدید، "عمده ترین سیاستی است که اینک برخی از دستگاه های اجرایی مملکت به منظور دستیابی به هدف هایی، همچون: مهار رشد شهرهای بزرگ، مقابله با مسایل رشد شهرنشینی در آینده و از بین بردن آثار فزاینده تمرکز امور، آن را در رأس تصمیم گیری های خود قرار داده اند. از طرفی، طی دهه ۸۵ - ۱۳۷۵ وزارت کشور به طور میانگین هر نه روز، یک نقطه شهری جدید تصویب نموده که در دوره ۱۰ ساله فوق در مجموع ۴۰۰ نقطه شهری به تعداد شهرهای ایران افزوده شده، حال آنکه سیاست دولت در این شهرها، تنها به ایجاد یک شهرداری و دادن حداقل امکانات مورد نیاز محدود شده است؛ اما هدف از ایجاد شهرهای جدید در ایران را می توان در قالب دو هدف؛ یعنی تمرکز زدایی از شهرهای بزرگ و تمرکزگزینی جمعیت در مناطق توسعه نیافته دانست. بررسی عملکرد شهرهای جدید ایران نشان از آن دارد که شهرهای جدید ایران هنوز نتوانسته است آن جمعیت پیش بینی شده خود را جذب نماید. چه عواملی باعث شده که با وجود سرمایه گذاری های بسیاری که غیر قابل برگشت نیز هست، شهرهای جدید ایران در جذب جمعیت موفق نباشد؟ بی هویتی شهرهای جدید، عدم تطابق با فرهنگ ساکنان، خوابگاهی بودن، مکانیابی نامناسب و ... تنها چند عاملی هستند که در پاسخ به سؤال فوق می توان از آنها نام برد. شهرهای جدید ایران اگرچه یک راه حل میانه و سیاستی واقع گرایانه و مصلحت اندیشانه در شرایط زمانی حال است و اگرچه نسبت به راه حل های اضطراری و کوتاه مدت از جامعیت بیشتری برخوردار است، اما تنها نسخه شفابخش مشکلات شهری ایران نیست. این تفکر فقط می تواند به صورت عملکردی برای ایجاد فرصت ها و مجالها برای تهیه برنامه های اساسی و دراز مدت در شهرنشینی کشور باشد که در راس آن تدوین سیاست ملی شهرنشینی و راهبرد در توسعه فضایی کشور و بالا بردن قابلیت شهرهای کوچک و متوسط است که راه حل اساسی در تامین اهدافی است که تاکنون شهرهای جدید در برآورده کردن آنها عاجز مانده اند.

واژه های کلیدی: شهر جدید، عملکرد، کشور ایران، برنامه ریزی.

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

شهر به مفهومی فراتر از پدیده ای کالبدی (فیزیکی) که امروزه می‌شناسیم و با مفهومی گسترده‌تر از جامعه سیاسی و معنوی، پایه مدنیت محسوب می‌شود (حاتمی، ۱۳۷۶: ۴۴) و در طول تاریخ با نقش‌های متفاوت و متضادی، در قالب دولت - شهرها، مراکز قدرت امپراتوری‌ها، شهرهای بازرگانان، مراکز قدرت دولت - ملتها، نمایان شده است (Mumford, 1963: 3). مسلماً هر شهری زمانی شهر جدید به حساب می‌آمده، اما آنچه تفاوت میان تعدادی از شهرهای جدید در جهان و تعدادی از سکونتگاههای شهری دیگر شده، هدفمند بودن و تفکر و تدبیر یا برنامه‌ریزی پیشاپیشی است که در مورد شکل و فرآیند توسعه شهرهایی که شهرهای جدید نامیده می‌شوند، اعمال شده است. برنامه‌ریزی شهرهای جدید در جهان در طول عمر تقریباً پنجاه ساله خود، در پاسخ به شرایط متغیر اجتماعی - اقتصادی و اولویتهای برنامه‌ریزی ملی، بارها جرح و تعدیل یافته است. هر کشوری که از تفکر در توسعه شهرهای جدید پیروی نموده و آن را از فکر به عمل درآورده است، یا از آن به عنوان ابزاری در جهت رفع مشکلات سایر نقاط سرزمین خود استفاده کرده، یا بدان، چون انگیزه‌هایی برای تجدید حیات اقتصادی مناطقی که دچار رکود اقتصادی شده‌اند و توسعه نواحی هرگز توسعه نیافته کشور خود نگریسته است. چنین نگرشی، به رغم تمامی دستاوردهایش عاری از انتقاد نیست. در این مورد، مهم

آن است که باید برنامه‌ریزی شهرهای جدید را با پیشینه آمیخته با ابهام و شک و انتقاد نگریست و از توجه و حمایت کورکورانه به این فرایند عظیم احتراز نمود (صرافی، ۱۳۶۸: ۲۱).

در شرایط فعلی، با توجه به گذشت تقریباً دو دهه از آغاز حرکت ایجاد شهرهای جدید به عنوان یک تجربه جدید در شهرنشینی کشور، و با توجه به تنگناها و مشکلات موجود این شهرها و در عین حال، وجود ضرورت‌ها و ظرفیت‌های ایجاد و توسعه آنها، ارزیابی و تحلیل عملکرد گذشته شهرهای جدید ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. این ارزیابی و تحلیل می‌تواند ضمن بازشناسی وضع موجود شهرهای جدید و بازننگری مجموعه اقدامات و عملیات در ایجاد و توسعه این شهرها، در تحلیل و نقادی واقع‌گرایانه و بی‌طرفانه به راهکارهایی منجر شود که بر اساس آنها ارایه حرکت با درس‌آموزی از تجربیات دهه گذشته، قانونمندتر و هماهنگتر و در فضایی روش‌تر صورت گیرد.

مقاله شهرهای جدید مسأله ای ملی است و مسایل ملی را نمی‌توان با نگرش بخشی حل کرد. حل مسایل ملی نیاز به عزم ملی و خردجمعی دارد (قرخلو، ۱۳۸۵: ۳). نظریه شهرهای جدید - چه در حالت جنینی آن در قرن ۱۹ و چه در اشکال متنوع و تکامل یافته آن، بعد از جنگ جهانی اول و دوم، به ویژه از سال ۱۹۵۰ به بعد - در کشورهای مختلف جهان به کار گرفته شده است. تمرکززدایی از کلان شهرها، اصلی‌ترین عامل اتخاذ سیاست شهرهای جدید در ایران بوده است (Atashi, 1998: 5). در ادامه به بررسی انواع شهرهای جدید ایران می‌پردازیم که شامل:

برق، فاضلاب، تلفن و..... در چنین شرایطی بسیار هزینه بر است. این وضع باعث می شود که این شهرها ناقص و از لحاظ زمانی خیلی دیر شکل بگیرند؛

- شهرهای جدید مستقل بویژه وقتی که تک پایه بوده و پایه آن متکی به منابع محدود و فناپذیر باشند، آینده ای نامطمین، دارند. زیرا با از بین رفتن پایه اقتصادی، حیات اقتصادی شهر تهدید می شود. از آنجایی که حیات اقتصادی شهر زیربنا و عامل دگرگونی های اجتماعی، اقتصادی و فضایی آن نیز می شود، از بین رفتن پایه اقتصادی به اضمحلال و رکود شهر جدید منجر می شود (مسجد سلیمان).

- شهرهای جدید اقماری: جوامع یا سکونتگاههای برنامه ریزی شده ای هستند که معمولاً در حوزه نفوذ یک شهر بزرگ یا شهرهای موجود بوجود می آیند. این گونه شهرها از لحاظ عملکرد، پیوستگیهای زیادی با شهرهای موجود دارند. بنابراین، اغلب به صورت خوابگاهی استفاده می شوند.

مکان یابی شهرهای جدید اقماری در چهارچوب این اصل کلی فلسفی قرار دارد که عبارت است از: « علت موجه، علت مبقیه است»؛ یعنی علت ایجادشهر، علت باقی ماندن نیز هست. نکته درخور توجه این است که هم علت ایجاد شهرهای اقماری، مادرشهرپیرامون آنهاست و هم علت بقای آنها.

محاسن نوشهرهای اقماری: - جلوگیری از گسترش نامعقول مادرشهر و کمک به رشد برنامه ریزی شده آن؛ - کمک به شکل گیری منطقه شهری - چون اغلب در محدوده نفوذ روزانه یک مادرشهر به وجود می آیند، در

- شهرهای جدید مستقل: مجتمع های زیستی برنامه ریزی شده ای هستند که اغلب در زمینی بکر و بدون سابقه عمران بوجود می آیند. مهمترین هدفهایی که شهرهای جدید مستقل را توجیه می کند، می توان به طور ذیل خلاصه کرد:

اول: ایجاد شهرهای جدید مستقل برای بردن صنایع و ایجاد آنها در مناطق محروم و عقب افتاده؛

دوم: تقویت پایه اقتصادی مناطق؛

سوم: تمرکز گزینی جمعیت در مناطق خالی از جمعیت به منظور ایجاد تعادل منطقه ای در کشور؛

چهارم: پاسخ به خلا سیاسی و امنیتی.

معایب شهرهای جدید مستقل: - آسیب پذیری در برابر فراز و فرود های اقتصاد ملی؛

- شهرهای جدید مستقل بویژه وقتی کارکرد اصلی آنها صنعتی یا معدنی باشد، در چارچوب سیاست های صنعتی کشور ایجاد می شوند (سیاست بخشی). با توجه به اینکه استقرار صنایع معمولاً از منطق برنامه ریزی صنعتی تبعیت می کنند و با تمایل به سوی منابع معدنی مکانیابی می شوند، از این رو به خاطر تبعیت از این دو ویژگی در محیط های جغرافیایی منزوی ایجاد می گردند. این وضع شهر جدید را به یک مجتمع زیستی کم جاذبه و از لحاظ روانی و اجتماعی کم شور و شوق تبدیل می کند، به طوری که جو مدنی و فرهنگی لازم در آنها هرگز به وجود نمی آید (شهر سرچشمه)؛

- چون اغلب در فضاهاى جدید، سرزمین های بکر و بدون عمران بوجود می آیند. ایجاد آنها بسیار گران تمام می شود. زیرا احداث زیر ساختهای شهری مثل آب،

با همه این اوصاف، باید گفت که بیشترین شهرهای جدید ایران در زمره شهرهای اقماری قرار دارد و با این همه، هنوز هیچ کدام از این نوشهرها علاوه بر اینکه نتوانسته است به اهداف خود دست یابد، تهدیدی نیز برای مادرشهرهای خود محسوب می‌شوند.

- شهرهای جدید پیوسته: نوشهرهایی است که با هدف اصلاح بافت موجود مادرشهر و نیز کمک به گسترش برنامه ریزی شده آن به وجود می‌آیند. به طور کلی، با دوفلسفه شهرهای جدید پیوسته به وجود می‌آیند: الف- سازماندهی فضا؛ ب- تقویت موقعیت‌های شهری.

نقاط مثبت نوشهرهای پیوسته: - صرفه اقتصادی: نظر به این که این گونه نوشهرها در چارچوب طرح جامع ایجاد می‌شوند، برای تاسیس آنها در مقایسه با شهرهای مستقل و اقماری هزینه کمتری لازم است، چراکه هزینه‌های زیربنایی مانند جاده، آب، برق و... با هزینه‌های بسیار کمتری تامین می‌شود؛ - ایجاد فرصت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای شهرهای موجود - امکان مشارکت بخش خصوصی در ساخت این گونه نوشهرها. دلیل آن، این است که آنها به دنبال جایی برای زندگی کردن می‌گردند، نه در جستجوی اشتغال؛

- مساله شکل‌گیری هویت شهری که در اینگونه شهرها نسبت به شهرهای مستقل و اقماری بهتر شکل می‌گیرد (بیشتر مهاجرتهای درون شهری در اینگونه نوشهرها وجود دارد).

بسیاری از موارد بر یک هسته روستایی استقرار می‌یابند. بنابراین، اولاً دارای جاذبه اجتماعی بیشتری برای مهاجرت هستند و ثانیاً هزینه تاسیسات و زیرساخت‌های شهری آنها در مقایسه با شهرهای جدید مستقل کمتر است.

معایب نوشهرهای اقماری: - از آنجایی که اغلب نوشهرهای اقماری فاقد پایه اقتصادی مستقل هستند، بسیاری از خدمات و نیازهای ساکنان خود را از مادرشهر تامین می‌کنند. از این رو این گونه شهرها به لحاظ خدماتی و کارکرد اقتصادی، جوامعی ناقص‌اند و اغلب شکل خوابگاهی به خود می‌گیرند؛ - در مقایسه با ساخت جمعیتی مادرشهر، جوامعی جوان به حساب می‌آیند. همچنین از لحاظ اجتماعی ناهمگون و در مقایسه با شهرهای متعارف فاقد هویت شهری هستند. نتیجه این ویژگیها باعث می‌شود جرم خیزی این جوامع زیاد شود، زیرا نظارت اجتماعی در آنها ضعیف است. - چنانچه می‌دانیم اشتغال و اسکان دو رکن اساسی یکجانشینی است، در شهرهای جدید معمولاً اشتغال برای نسل اول فراهم است و نسل‌های بعدی به دلیل کمبود شغل مجدداً به مادرشهرها و سایر مکانهای اشتغال در محدوده شهر اقماری روی می‌آورند. از این رو فلسفه ایجاد شهرهای اقماری در درازمدت به ضد خودش تبدیل می‌شود؛ یعنی باز مهاجرت از پیرامون به مرکز صورت می‌گیرد. از این رو، این گونه شهرها نمی‌توانند به هدفهای ایجاد خود دست یابند. نمونه موردی این گونه نوشهرها را در اطراف شهرهای بزرگ کشور، خصوصاً تهران، اصفهان و... می‌توانیم مشاهده کنیم.

- تحلیل عملکرد شهرهای جدید ایران و تعیین عوامل موثر بر عدم موفقیت آنها در ایران

۱-۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات، نوعاً از روش‌های کتابخانه‌ای و بررسی متون و نیز روشهای نظیر مصاحبه و مشاهده استفاده شده است. به منظور دستیابی به اهداف مقاله، با استفاده از نرم افزارهای Excel و SPSS آمار و ارقام موجود تجزیه و تحلیل گردید تا تحولات جمعیت در ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ مشخص شود. سپس تحولات شبکه شهری و نظام سلسله مراتبی آن، طی سه دوره سرشماری از آمارنامه‌های عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران استخراج شده، برای تعیین پدیده نخست شهری از مدل زیپف و منحنی لورنز استفاده شد، تا جایگاه شهرهای جدید و علل عدم موفقیت آنها شناسایی شود.

۲- مفاهیم، دیدگاهها و مبانی نظری

۲-۱- تیوری های برخورد با رشد سریع شهرنشینی و سیاست ایجاد شهرهای جدید

- تیوری آزاد گذاشتن شهرها به حال خود: با چنین برخوردی، یا باید اعتقاد داشته باشیم که مکانیسم خود به خودی درون شهرها به حل مشکلات خواهد انجامید، یا آنکه معتقد باشیم که کاری از دست ما ساخته نیست و بهتر است نظاره گر در انجام آن باشیم. امروز دیگر تردیدی نمانده که بدون دخالت دولت و اعمال سیاست

نقاط ضعف نوشهرهای پیوسته: - این گونه نوشهرها با هدف تامین مسکن ایجاد می شوند، در نتیجه فرصتهای شغلی و امکانات لازم برای ساکنان خود پدید نمی آورند. از این رو بار نیازهای ساکنان به بخشهای قدیمی شهر تحمیل می شود و از این طریق گسترش شهر بر شالوده های کنونی شهر فشار می آورد،

- در مواردی که پایه اقتصادی اینگونه شهرها بر صنایع بزرگ آلاینده باشد مشکلات زیست-محیطی و کالبدی - فضایی و نیز مشکلات مربوط به کاربری اراضی برای مادرشهر پیرامون خود فراهم می کند که اغلب بصورت یک بحران زیست محیطی ظاهر می شوند؛

- عدم شکل گیری نهادهای متعارف شهری و در نتیجه عدم شکل گیری نظام اجتماعی مناسب در مقایسه با مادرشهر (زیاری، ۱۳۷۹: ۳۹-۳۴).

تفاوت اساسی در میان شهرهای جدید در ایران و دیگر نمونه‌های ساخته شده در جهان، نحوه ارتباط و تعامل کلان‌شهر با شهرهای اقماری خود است. این امر به خصوص در اقتصاد شهرهای جدید بیشتر خود را نمایان می سازد. آنچه تجربه های موفق دنیا در امر ایجاد شهرهای جدید در برابر دیدگان ما می گذارد، متفاوت با سیاست هایی است که امروزه ما در ایران با عنوان سیاست احداث شهرهای جدید می شناسیم.

۱-۲- اهداف تحقیق

- تحلیل پدیده نخست شهری در شبکه شهری کشور و به تفکیک در سطح استان ها.

های به نفع عموم، مشکلات شهری در ایران قابل حل نیست و برخورد منفعل با آنها باعث تولید بیشترین سود برای شرکتهای ساختمانی بخش خصوصی می‌شود، زیرا این بخش بدون تقبل هزینه‌های اجتماعی به تولیدات منفردی می‌پردازد که مسایل جنبی آن ساکنان حل نشده باقی مانده، به افزایش مشکلات شهری می‌انجامد.

- تیوری و سیاست، جسته و گریخته به منظور برخورد موردی و مقطعی بامشکلات: در این صورت، می‌توان تا حدی گرایش‌های حاکم را متاثر نمود و در تعدیل مشکلات موفق بود، ولی نمی‌توان گفت با مشکلات برخورد اساسی و بنیادی صورت گرفته است. با اتخاذ این روش، گرچه بهبودی در مسایل روز حاصل می‌گردد، ولی مسایل دیگری پدید می‌آید، یا همان مسایل در مکان یا زمانی دیگر بروز می‌نماید، زیرا حل مشکلات اساسی شهرنشینی در کشور ما با این سیاست مقطعی ممکن نیست.

- تیوری هدایت و کنترل گرایش‌ها با یک برنامه جامع، کلی و ملی که هماهنگی‌های بخشی و منطقه‌ای در آن صورت گرفته باشد. با چنین سیاستی، نه تنها با بسیج یکپارچه همه امکانات به رفع تنگناهای موجود پرداخته می‌شود، بلکه با تکیه بر قابلیت‌های سرزمین، جلوگیری از به وجود آمدن مشکلات شهرنشینی در آینده نیز در نظر گرفته می‌شود. لازمه اعمال این سیاست، ساختار اداری - سیاسی ویژه‌ای است که هماهنگی‌های افقی و عمودی را انحصار می‌نماید (عبدی دانشپور، ۱۳۸۵: ۲۷).

با کمبود این ویژگیها در نظام اداری کنونی، سیاستهای برخورد با مشکلات نمی‌تواند از نوع دوم فراتر رود. پیشنهاد شهرهای جدید در شرایط کنونی ایران، سیاستی از نوع دوم سیاست‌های مذکور است؛ یعنی برخوردی موردی و غیر جامع. این سیاست شاید بتواند مسایل مورد نظر دستگاه بخشی؛ یعنی تامین مسکن شهری و ساماندهی توسعه شهری را در مقطعی از زمان پاسخگو باشد، اما مشکل بتواند به مسایل اساسی و بنیادی که پیش از این اشاره شد، پاسخ دهد و همچون گذشته، گرایش مهاجرت به شهرهای بزرگ و رشد جمعیت آنها لاینحل باقی خواهد ماند و مساله رکود برخی مناطق و تمرکز در مناطقی دیگر، چاره نخواهد شد. نیاز به تدوین سیاست ملی شهرنشینی در ایران، از همین دیدگاه است که سیاستی از نوع سوم را در برخورد با مشکلات شهرنشینی مطرح می‌سازد.

۲-۲- تحولات جمعیت شهری در ایران

برابر با نخستین سرشماری که در سال ۱۳۳۵ انجام گرفت، جمعیت ایران ۱۸/۹ میلیون نفر بود. جمعیت رشد سریعی از ۱۳۳۵ به بعد داشته است، به طوری که در دهه ۱۳۴۵-۱۳۳۵ با نرخ رشد سالانه ۳/۱ درصد به ۲۵/۷ میلیون نفر رسید. در سرشماری ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ جمعیت با نرخ رشد سالانه ۲/۷ و ۳/۸ درصد به ۳۳/۷ و ۴۹/۴ میلیون نفر رسید. در سرشماری ۱۳۷۵ با نرخ رشد ۱/۹ درصد در سال، جمعیت به ۶۰ میلیون نفر رسید (جوان، ۱۳۸۱: ۱۸) و در سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت با نرخ رشد سالانه ۱/۶ درصد به ۷۰/۴ میلیون نفر رسید.

روستایی پیشی می گیرد. در سال ۱۳۷۵ جمعیت شهری کشور به ۳۶۷۰۰ هزار نفر و درصد جمعیت شهری به ۶۱/۳ و تعداد شهرها به ۶۱۲ شهر رسیده است و بر اساس آخرین سرشماری رسمی در سال ۱۳۸۵ جمعیت شهرنشین کشور ۴۷۵۱۰ هزار نفر با ۶۷/۴ درصد جمعیت شهری و به تعداد ۱۰۱۲ نقطه شهری به استثنای شهرهای جدید در حال ساخت وزارت مسکن و شهرسازی رسیده است (جدول ۱). اما نکته ای مهم در دوره های مختلف سرشماری، رشد منفی (۰/۱-) جمعیت روستایی در طول دوره ۱۳۸۵ - ۱۳۷۵ بوده است که نشان دهنده رشد شتابان شهرنشینی و گسیختگی در نظام شهری کشور و به تبع آن، متروک شدن روستاهای کشور است. امکان مطرح نمودن مشکلات حاد شهرنشینی در ایران، بدون توجه به معضلات جامعه روستایی وجود ندارد. جاذبه شهرها با دافعه روستاها همراه است (برکال آلام، ۱۳۸۱: ۳۲).

دلیل کاهش اخیر در نرخ رشد سالانه جمعیت، تا اندازه ای به تاثیرات برنامه ریزی خانواری دولت از سال ۱۳۶۸، شرایط بد اقتصادی و کاهش عمومی سطح استانداردهای زندگی متوسط خانوارهای ایرانی برمی گردد (امیر احمدی، ۱۳۷۵: ۱۲۳-۱۴۷).

برابر با نخستین سرشماری رسمی کشور در سال ۱۳۳۵، جمعیت شهرنشین، ۵۹۵۴ هزار نفر، میزان شهرنشینی ۳۱/۴ و تعداد شهرهای کشور ۱۹۹ شهر بوده است. در سال ۱۳۴۵ جمعیت شهری کشور به ۹۷۹۴ هزار نفر و درصد شهرنشینی به ۳۷/۹ درصد و تعداد شهرها به ۲۷۱ شهر می رسد. در سال ۱۳۵۵ جمعیت شهری کشور به ۱۵۸۵۵ هزار نفر و درصد جمعیت شهری به ۴۷/۱ درصد و تعداد شهرها به ۳۷۳ شهر رسید. در سال ۱۳۶۵ جمعیت شهری کشور به ۲۶۸۴۸ هزار نفر و درصد جمعیت شهری به ۵۴/۳ درصد و تعداد شهرها به ۴۹۶ شهر رسید. در این سال، برای اولین بار در طول تاریخ شهرنشینی ایران، جمعیت شهری بر جمعیت

جدول شماره ۱- تغییرات جمعیت کشور بین سرشماری های ۱۳۸۵-۱۳۳۵

سال	نرخ رشد سالانه (درصد)						۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵
	۸۵-۳۵	۷۵-۸۵	۶۵-۷۵	۵۵-۶۵	۴۵-۵۵	۳۵-۴۵						
جمعیت شهری	۴۱۵	۲۶	۳۱	۵۳	۴۸	۵	۴۷۵۱۰	۳۶۷۰۰	۲۶۸۴۸	۱۵۸۵۵	۹۷۹۴	۵۹۵۴
جمعیت روستایی	۱۱۳	-۰.۱	۰.۳۲	۲.۳۵	۱.۱	۲.۱	۲۲۹۶۲	۲۳۳۵۵	۲۲۵۹۷	۱۷۸۵۴	۱۵۹۹۴	۱۳۰۰۱
نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت	۱.۵	۰.۹۴	۱.۲	۱.۴	۲.۲	۱.۹	۶۷.۴	۶۱.۳	۵۴.۳	۴۷.۱	۳۷.۹	۳۱.۴
نسبت جمعیت روستایی به کل جمعیت	-۱.۴۹	-۱.۷۶	-۱.۶۱	-۱.۴۶	-۱.۵۸	-۱.۰۵	۳۲.۶	۳۸.۹	۴۵.۷	۵۲.۹	۶۲.۰۱	۶۸.۶
جمعیت کل کشور	۲.۶	۱.۶	۱.۹	۳.۸	۲.۷	۳.۱	۷۰۴۷۲	۶۰۰۵۵	۴۹۴۴۵	۳۳۷۰۸	۲۵۷۸۸	۱۸۹۵۵
نسبت جمعیت شهری به روستایی	۳	۲.۸	۲.۸	۲.۹	۳.۸	۲.۸	۲.۰۷	۱.۵۷	۱.۱۹	۰.۸۹	۰.۶۱	۰.۴۶
تعداد نقاط شهری	۳۲۵	۵	۲.۱	۲.۸	۳.۲	۳.۱	۱۰۱۲	۶۱۲	۴۹۶	۳۷۳	۲۷۱	۱۹۹

مأخذ: مرکز آمار ایران (سرشماری های ۸۵-۱۳۳۵).

الگوی نخست شهری ایران در سال ۱۳۸۵ با استفاده از آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن به وسیله مدل فوق تجزیه و تحلیل شد که نتیجه آن در جدول (۲) آورده شده است. همان گونه که در جدول (۲) مشاهده می شود، تقریباً در بیشتر استانهای کشور (به جز استان مازندران و سمنان) تمرکز جمعیت در شهر اول استان است. در اکثر استانها، شهر اول به تنهایی ۴۰ تا ۶۵ درصد کل جمعیت استان را در خود جای داده است؛ مثلاً مشهد (۶۴/۲ درصد)، تهران (۶۳/۴ درصد)، تبریز (۵۸/۴ درصد) که بیان کننده توزیع نامتعادل و نامتوازن جمعیت شهری کشور و تمایل مراکز استان ها به ایجاد الگوی نخست شهری در استان را نشان می دهد. مقایسه جمعیت شهر دوم هر استان نسبت به جمعیت شهر اول، حاکی از وجود گسیختگی شدید، در نظام شهری کشور است. برای مثال، مشهد (۱۱/۵)، کرمانشاه (۸/۸)، شیراز (۹/۷)، تبریز (۹/۴)، اصفهان (۶/۳)، تهران (۵/۶) برابرشهر دوم خود جمعیت دارند، اما نسبت بین شهرهای دوم و سوم هر استان بیانگر تعادلی مطلوب در این سطح از نظام شهری کشور است که نشان از شکاف عمیق در نظام شهری و جدایی شهرهای اول استان ها از سایر شهرهای کشور است. و نتایج منحنی لورنز (۱۳۸۵) نشان دهنده عدد ۸۲ درصد است که طبق تعاریف این منحنی، بیانگر وضعیت نامتعادل بحرانی در کل نظام شهری کشور می است، شکل (۱). اما این عدم تعادل پراکنش جمعیت شهری در بین استان های کشور نیز قابل توجه بوده، به طوری که ۵۸ درصد جمعیت

از آنجا که بخش مهمی از نرخ رشد بالای جمعیت شهرها ناشی از مهاجرت روستاییان است، حل بسیاری از مشکلات شهری در گرو حل همزمان مشکلات روستایی و به طور کلی، توسعه موزون و یکپارچه کشور است. باید توجه داشت که دانش نوین، دست یافتن به توسعه را انتخاب بین شهر یا روستا نمی داند، بلکه مسأله را در بر پا داشتن نظامی می داند که تمامی اجزای آن و از جمله شهر و روستا، با هم توسعه یابند (میسرا، ۱۳۷۸: ۱۵-۱۸).

۲-۳- تغییرات نظام شهری و به وجود آمدن پدیده نخست شهری در کشور

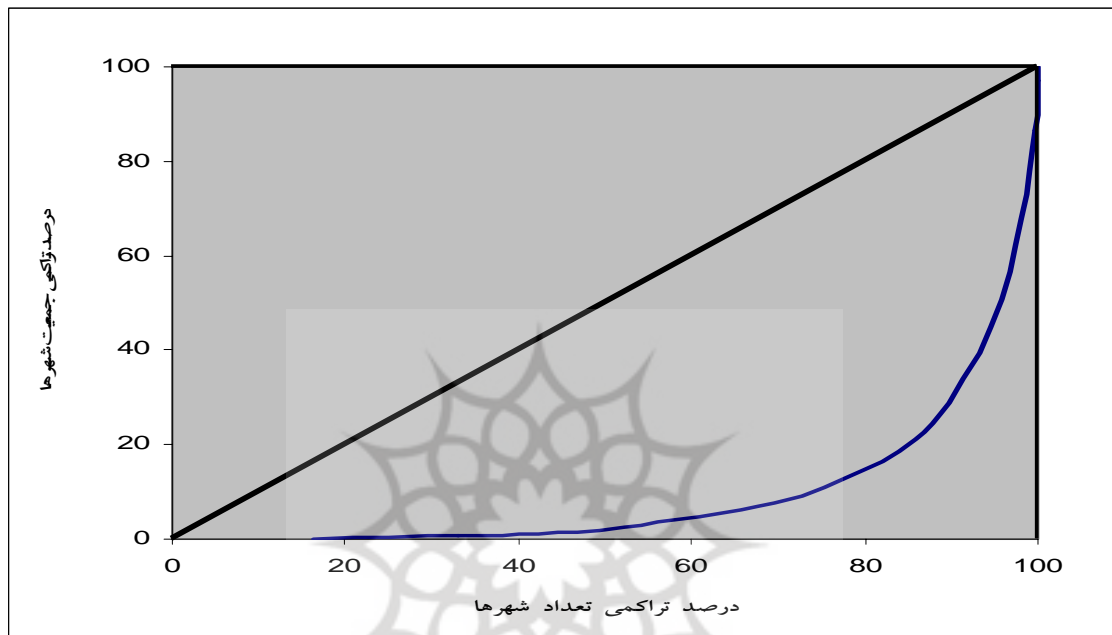
روند رو به رشد شهرنشینی در دهه های اخیر، همگام با مهاجرت های شدید روستا - شهری، همزمان با سیر تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، از مهمترین عوامل ایجاد شاخص نخست شهری و الگوی نامتعادل و نامتوازن در نظام شهری کشور است. برای تعیین پدیده نخست شهری از مدل رتبه - انداز استفاده می شود که اصولاً نسبت جمعیت شهر اول هر کشور با جمعیت شهر دوم آن نشان دهنده الگوی نخست شهری و یا توزیع نرمال اندازه - مرتبه است، کلیه کشورهایی که میزان این نسبت در آنها از ۲ بالاتر است، دارای الگوی نخست شهری هستند (بهبروز، ۱۳۷۴: ص ۳۲۸).

$$Pan = P1(N)^{-1} \text{ یا } P1 = P2 \times P2 = P4 \times P3 \times 3 \times 4$$

$$Pn \times n \text{ فرمول رتبه - اندازه}$$

یعنی ۷ شهر (تهران، کرج، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز و اهواز) ۶۰/۷ درصد جمعیت، و ۹۸/۱ درصد نقاط شهری؛ یعنی ۳۷۹ شهر، تنها ۳۹/۲ درصد جمعیت شهری این استان ها را در خود جای داده اند.

شهرنشین کشور در شش استان (تهران، خراسان رضوی، اصفهان، خوزستان، فارس، آذربایجان شرقی) و ۴۲ درصد در ۲۴ استان دیگر متمرکز شده اند. از مجموع ۳۸۶ نقطه شهری شش استان فوق، ۱/۹ درصد نقاط شهری؛



شکل شماره ۱- منحنی لورنز برای شهرهای ایران بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵

کنونی که همانا رشد سریع شهر نشینی و بقای مشکلات عدیده در شهرهاست، سه سیاست کلی می توان اتخاذ نمود: اول) سیاست آزاد گذاشتن گرایش ها به حال خود؛ دوم) سیاست جسته و گریخته، به معنای برخورد موردی و مقطعی با مشکلات؛ سوم) سیاست هدایت و کنترل گرایش ها با یک برنامه جامع ملی که هماهنگی های بخشی و منطقه ای در آن صورت گرفته باشد (Gideon.Golang, 1978:4). در ایران، یکی از سیاست های مهار بحران، ایجاد شهرهای جدید از پیش اندیشیده بوده است.

از طرفی، طی دهه ۸۵-۱۳۷۵ وزارت کشور به طور میانگین هر ۹ روز، یک نقطه شهری جدید تصویب نموده است، که در دوره ۱۰ ساله فوق ۴۰۰ نقطه شهری به تعداد شهرهای ایران افزوده شده و از ۶۱۲ شهر در سال ۱۳۷۵، به ۱۰۱۲ شهر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است (جدول ۳). افزایش شدید در تعداد نقاط شهری و افزایش جمعیت شهرنشین کشور از یک سو و عدم تعادل شدید در نظام سلسله مراتب شهری از سوی دیگر، طی دهه اخیر مشکلات عدیده ای را بر پیکره نظام شهری کشور وارد کرده است. در برخورد با گرایش

جدول شماره ۲- جمعیت کشور به تفکیک استانها و شهرهای اول، دوم و سوم (با استفاده از مدل زیلف)

ردیف	نام استان	تعداد شهر استان	جمعیت شهری استان هزار نفر	شهر اول استان	جمعیت شهر اول استان	درصد به کل جمعیت استان	شهر دوم استان	جمعیت به هزار نفر	نسبت شهر اول به شهر دوم	شهر سوم استان	جمعیت به هزار	نسبت شهر دوم به شهر سوم
1	تهران	51	12150	تهران	7711	63/46	کرج	1377	5/6	اسلام شهر	357	3/9
2	اصفهان	92	3753	اصفهان	1583	42/19	کاشان	248	6/4	خمینی ش	218	1/1
3	خراسان رضوی	66	3753	مشهد	2410	64/23	سبزوار	208	11/6	نیشابور	205	1
4	خوزستان	47	2829	اهواز	969	34/27	دزفول	228	4/2	آبادان	217	1
5	فارس	73	2596	شیراز	1204	46/4	مرودشت	123	9/7	جهرم	103	1/2
6	آذربایجان شرقی	57	2359	تبریز	1378	58/4	مراغه	146	9/4	مرند	114	1/3
7	آذربایجان غربی	36	1702	ارومیه	577	33/9	خوی	178	3/2	بوکان	149	1/2
8	مازندران	51	1534	ساری	259	16/8	بابل	198	1/3	آمل	197	1
9	کرمان	57	1506	کرمان	496	32/9	سیرجان	167	3	رفسنجان	136	1/2
10	گیلان	49	1281	رشت	551	43	بندر انزلی	109	5	لاهیجان	71	1/5
11	کرمانشاه	28	1241	کرمانشاه	784	63/2	اسلام آباد	89	8/8	هرسین	51	1/7
12	سیستان و بلوچستان	32	1157	زاهدان	552	47/7	زابل	130	4/2	ایرانشهر	99	1/3
13	لرستان	23	1008	خرم آباد	328	32/5	بروجرد	227	1/4	دورود	100	2/3
14	قم	5	975	قم	975	98/1	قنات	7	124/4	جعفریه	6	1/1
15	همدان	27	961	همدان	473	49/2	ملایر	153	3	نهادند	72	2/1
16	مرکزی	27	913	اراک	438	48	ساوه	179	2/4	خمین	64	2/8
17	کردستان	23	839	کردستان	311	37	سقز	131	2/4	مریوان	91	1/4
18	گلستان	24	783	گرگان	269	34/4	گنبد	127	2/1	علی آباد	46	2/8
19	یزد	23	773	یزد	423	54/8	میبد	58	7/3	اردکان	51	1/1
20	قزوین	24	769	قزوین	349	45/4	تاکستان	73	4/8	الوند	69	1
21	اردبیل	21	701	اردبیل	412	58/8	پارس آباد	81	5/1	مشکینشهر	61	1/3
22	هرمزگان	22	639	بندر عباس	367	57/4	میناب	54	6/8	دهبارز	30	1/8
23	بوشهر	29	565	بوشهر	161	28/5	برازجان	92	1/7	بندر گناوه	59	1/6
24	زنجان	16	544	زنجان	341	62/7	انهر	70	4/9	خرمدره	48	1/5
25	چهارمحال و بختیاری	26	431	شهرکرد	126	29/2	بروجن	49	2/3	فرخ شهر	28	1/7
26	سمنان	16	428	شاهرود	126	29/4	سمنان	124	1	دامغان	57	2/2
27	خراسان شمالی	15	381	بجنورد	172	45/1	شیروان	82	2/1	اسفراین	51	1/6
28	ایلام	19	323	ایلام	155	48	ایوان	27	5/8	دهلران	27	1
29	خراسان جنوبی	20	308	بیرجند	157	51	قاین	32	4/9	فردوس	23	1/4
30	کهگیلویه و بویراحمد	13	293	یاسوج	96	32/8	دوگنبدان	81	1/2	دهدشت	49	1/6
	جمع	1012	47495		24153			4848			2896/7	

جدول شماره ۳- طبقه بندی شهرهای کشور در سه دوره سرشماری

سطح بندی	دامنه جمعیتی به هزار نفر	تعداد شهر در سال ۱۳۶۵	کل جمعیت به نفر در سال ۱۳۶۵	تعداد شهر در سال ۱۳۷۵	کل جمعیت به نفر در سال ۱۳۷۵	تعداد شهرها در سال ۱۳۸۵	کل جمعیت به نفر در سال ۱۳۸۵
سطح اول	۲۵۰۰ و بیشتر	۱	۶۲۳۰۰۰۰	۱	۶۶۵۶۰۰۰	۱	۷۷۱۱۲۳۰
سطح دوم	۱۰۰۰ - ۲۵۰۰	۱	۱۲۷۶۰۹۲	۴	۵۵۰۰۳۹۰	۵	۷۹۵۵۶۷۶
سطح سوم	۵۰۰ - ۱۰۰۰	۶	۴۴۹۰۰۰۳	۴	۳۲۱۶۶۱۱	۶	۴۳۹۳۱۱۵
سطح چهارم	۲۵۰ - ۵۰۰	۸	۲۲۲۵۷۷۱	۱۴	۴۷۷۳۷۱۸	۱۳	۴۸۲۸۴۴۷
سطح پنجم	۱۰۰ - ۲۵۰	۲۵	۳۷۵۶۵۸۷	۳۶	۵۱۳۳۳۲۶	۵۰	۸۰۹۶۰۰۵
سطح ششم	۵۰ - ۱۰۰	۴۶	۳۱۵۴۹۴۳	۶۰	۴۲۵۹۸۱۹	۷۰	۴۹۶۰۱۸۲
سطح هفتم	۲۵ - ۵۰	۶۷	۲۳۲۰۴۹۹	۹۴	۳۳۰۹۸۸۲	۱۰۰	۳۷۱۴۰۲۶
سطح هشتم	۱۰ - ۲۵	۱۴۵	۲۲۹۹۸۳۶	۱۶۶	۲۵۷۷۵۸۶	۲۰۲	۳۲۶۵۲۷۱
سطح نهم	۵ - ۱۰	۱۱۳	۸۳۲۷۶۶	۱۵۰	۱۱۰۴۷۵۱	۲۳۱	۱۶۸۱۶۶۷
سطح دهم	۲.۵ - ۵	۸۴	۲۵۸۰۶۴	۸۳	۲۸۵۷۰۶	۱۷۹	۶۹۴۳۷۶
سطح یازدهم	۱ - ۲.۵	-	-	-	-	۱۰۵	۱۸۵۹۰۹
سطح دوازدهم	< ۱۰۰۰	-	-	-	-	۳۰	۱۹۰۲۳
جمع کل		۴۹۶	۳۶۸۴۴۵۶۱	۶۱۲	۳۶۸۱۷۷۸۹	۱۰۱۲	۴۷۵۰۹۹۲۷

مأخذ: مرکز آمار ایران و وزارت مسکن و شهرسازی (۸۵ - ۷۵ - ۱۳۶۵).

زراعی برای ایجاد شهرهای جدید و جلوگیری از تخریب اراضی کشاورزی؛ - جذب سرریز جمعیت و ایجاد اشتغال در شهر جدید؛ - احداث شهر از پیش برنامه ریزی شده و متناسب با نیاز واقعی جامعه و. « (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۷، ۱۱-۱۲). بدین منظور، در این دوره ۲۸ شهر جدید مصوب و غیر مصوب در برنامه شرکت عمران شهرهای جدید قرار گرفت، اما در سال ۱۳۸۶ تعداد آنها به ۱۸ شهر کاهش یافت (جدول ۴).

طرح ایجاد شهرهای جدید به مفهوم خاص، ابتدا از طرف وزارت مسکن و شهرسازی پیشنهاد شد و در نهایت، به مصوبه مورخه ۶۴/۴/۲۰ هیأت وزیران منجر گردید (شرکت عمران شهرهای جدید، ۱۳۶۸: ۲۰). اهداف عمده شهرهای جدید عبارت بودند از: «- جلوگیری از توسعه بی رویه و کلان شدن شهر مادر؛ - انتقال کارگاهها و صنایع مزاحم از شهر مادر به شهر جدید و پالایش شهر اصلی؛ - جلوگیری از ایجاد حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ؛ - استفاده از اراضی غیر

جدول شماره ۴- شهرهای جدید ایران از سال ۱۳۵۷ تاکنون

ردیف	نام شهر جدید	شهر مادر	فاصله از شهر مادر	مساحت به هکتار	جمعیت پیش بینی شده در افق طرح	جمعیت موجود (سال ۱۳۸۵)	سال تأسیس شرکت عمران	سال تصویب طرح جامع
۱	پرند	تهران	۴۰	۱۷۰۰	۱۵۰۰۰۰	۵۷۹۱	۱۳۶۹	۱۳۷۷
۲	هشتگرد	تهران	۶۵	۴۰۰۰	۵۰۰۰۰۰	۱۵۶۱۹	۱۳۶۹	۱۳۷۲
۳	پردیس	تهران	۲۵	۳۸۱۴	۲۰۰۰۰۰	۲۵۳۶۰	۱۳۷۰	۱۳۷۴
۴	اندیشه	تهران	۳۰	۱۴۹۵	۱۳۲۰۰۰	۷۵۵۶۹	۱۳۶۸	۱۳۷۹
۵	لتیان	تهران	۱۰	۱۱۰۰	-	-	۱۳۷۱	-
۶	مجلسی	اصفهان	۶۵	۳۰۰۰	۱۴۰۰۰۰	۲۶۵۹	۱۳۶۸	۱۳۷۲
۷	بهارستان	اصفهان	۱۵	۳۰۰۰	۵۰۰۰۰۰	۴۵۵۳۸	۱۳۶۸	۱۳۷۲
۸	پولادشهر	اصفهان	۲۵	۷۷۰۰	۵۰۰۰۰۰	۵۵۴۹۶	۱۳۶۸	۱۳۷۳
۹	سهند	تبریز	۲۰	۳۱۴۸	۱۰۰۰۰۰	۱۳۶۱۰	۱۳۷۰	۱۳۷۰
۱۰	صدرا	شیراز	۱۵	۲۰۴۰	۲۰۰۰۰۰	۹۹۴۹	۱۳۷۰	۱۳۷۴
۱۱	گلپه‌ر	مشهد	۴۰	۴۰۰۰	۴۳۰۰۰۰	۶۸۸۹	۱۳۶۹	۱۳۷۲
۱۲	بینالود	مشهد	۴۵	۴۰۰۰	۱۱۳۰۰۰	۱۴۳	۱۳۷۰	۱۳۸۰
۱۳	عالی شهر	بوشهر	۲۴	۴۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۶۲۵۱	۱۳۶۸	۱۳۷۵
۱۴	مهاجران	اراک	۲۸	۸۲۱	۶۰۰۰۰	۱۱۱۰۹	۱۳۶۹	۱۳۷۶
۱۵	علوی	بندرعباس	۴۰	۳۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۱۲۰	۱۳۶۹	-
۱۶	رامین	اهواز	۳۵	۱۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	-	۱۳۶۹	۱۳۸۳
۱۷	رامشار	زابل	۳۵	۱۰۰۰	۶۵۰۰۰	۴۰	۱۳۷۰	۱۳۷۹
۱۸	طیس	چابهار	۳۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	-	۱۳۷۰	-
جمع				۵۲۲۱۳	۳۵۱۰۰۰۰	۲۷۴۱۴۳		

مأخذ: (آمار و اطلاعات شرکت عمران شهرهای جدید ایران، سال ۱۳۸۵).

بینی شده در افق طرح در سال ۱۳۹۵۳۵۱۰ هزار نفر دارد. از کل جمعیت جذب شده، دو شهر پردیس و اندیشه در اطراف تهران ۳۷ درصد و دو شهر بهارستان و پولادشهر در اطراف اصفهان ۳۷ درصد این جمعیت را به خود اختصاص داده اند و ۱۴ شهر دیگر ۲۶ درصد جمعیت را دارا بوده اند. این آمار نشان می دهد که شهرهای جدید تا کنون به حداقل جمعیت مورد نظر

با توجه به استراتژی ایجاد شهرهای جدید و اهداف آن، به نظر می رسد که این شهرها در رسیدن به اهداف تعریف شده، بویژه جذب سرریزهای جمعیت از مادر شهرها (مهمترین هدف) موفقیت چندانی نداشته اند؛ به طوری که ۱۸ شهر در حال ساخت، بنا به سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، جمعیتی برابر با ۲۷۴ هزار نفر داشته اند که فاصله زیادی با جمعیت پیش

برنامه ریزی سه ساله به خودکفایی برسند. بنابراین، کمک های دولتی به شهرداری ها از سال ۶۵ رو به کاهش گذاشت و نسبت آن در بودجه شهرداری ها از ۶۰ درصد به ۵ درصد تنزل یافت (معصوم، ۱۳۸۰: ۵). به همین دلیل، سهم دولت در تأمین بودجه شهرداری ها از ۱۳/۷ درصد در سال ۶۷ به ۱/۵ درصد در سال ۷۸ کاهش یافته است (بوالحسنی، ۱۳۸۳: ۱۴). این سیاست شهرداری ها را با بحران مواجه ساخت و سبب توجه به منابع درآمدی جایگزین و سهل الوصول مانند فروش تراکم، اخذ وجه برای تغییر کاربری و تکیه بر وجوه حاصل از تخلفات ساختمانی شد. تعداد ۵۴۵ نقطه شهری ایجاد شده با جمعیت زیر ۱۰ هزار نفر در واقع، روستاهای با هویت دیروز این مرز و بوم بوده اند، که هر کدام به عللی خاص به عنوان نقطه شهری معرفی شده اند و به موازات ۱۸ شهر جدید به مفهوم خاص به وجود آمده اند که به علل غفلت دولت از این شهرها و توجه بیش از حد به ۱۸ شهر فوق، هنوز در دوگانگی هویتی و شیوه معیشت غالب روستایی به سر می برند. اکثر مشاغل موجود در این شهرها به طور مستقیم یا غیر مستقیم با بخش کشاورزی در ارتباط می باشند که موجب بروز بحران هویت و پارادوکس های اساسی در این شهرها شده است، چرا که در صورت عدم توجه به این تعداد عظیم شهر، در آینده ای نه چندان دور شاهد بروز بحرانهای عمیق تر در نظام شهری کشور خواهیم بود.

خود دست نیافته اند. دو شهر جدید پردیس و اندیشه نیز به علت قرار گرفتن در منطقه شهری ۱۳ میلیونی تهران، ناگزیر از جذب این جمعیت بوده اند و شهر جدید بهارستان به علت کمترین فاصله با مادرشهر در میان شهرهای جدید (۱۵ کیلومتر) موفق به جذب جمعیت فعلی شده است، اما ۱۴ شهر جدید دیگر در جذب حداقل جمعیتی لازم ناتوان بوده اند. برای مثال، با توجه به پیش بینی های انجام شده، جمعیت شهر جدید گلبهار براساس دو فرض حداکثر و حداقل می بایست در سال ۱۳۷۵ بالغ بر حداکثر ۴۵ هزار نفر و حداقل ۲۴ هزار نفر می شد (اعتماد، ۱۳۷۷: ۵)، ولی حتی حداقل جمعیت پیش بینی شده برای سال ۱۳۷۵ در سال ۱۳۸۵ تحقق نیافته است (جمعیت کنونی شهر گلبهار، ۶۸۸۹ نفر است).

از زمانی که فکر ایجاد شهرهای جدید به مفهوم خاص آن رونق گرفت (۱۳۶۴)، به موازات ایجاد ۱۸ شهر جدید به مفهوم خاص در طول دو دهه تا سال ۱۳۸۵، تعداد ۵۴۵ شهر به مفهوم عام با جمعیت زیر ۱۰ هزار نفر ایجاد شده که از این تعداد ۱۰۵ شهر جمعیتی بین ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ نفر و ۳۰ شهر جمعیتی کمتر از ۱۰۰۰ نفر داشته اند؛ حال آنکه سیاست دولت در این شهرها، تنها به ایجاد یک شهرداری و دادن حداقل امکانات مورد نیاز محدود شده است. این در حالی ست که بررسی تاریخی موضوع نشان می دهد، شهرداری ها مدت های مدیدی امور شهر را به اتکای کمک های دولتی که عمدتاً حاصل فروش نفت بود، اداره می کردند (کامیار، ۱۳۸۵: ۱۴۰). از سال ۱۳۶۲ به موجب بند ب تبصره ۵۲ قانون بودجه مقرر گردید که شهرداری های کشور طی یک

۳- بحث اصلی و یافته ها

۳-۱- تحلیل عملکردی شهرهای جدید ایران

همان طور که بیان شد هدف عمده و اصلی شهرهای جدید، جذب سرریز جمعیتی شهرها و کاهش بار ترافیکی و تراکم از شهرها و ارتقاء کیفیت سکونت در آنها بوده است. تبعاً اتکا بر این اهداف که در مقاطع زمانی شکل گیری تفکر شهرهای جدید مورد توافق غالب کارشناسان و مشاوران نیز بوده است، از سویی تاثیر عمده در مکانیابی و فعالیت های اجرایی در عرصه شهرهای جدید داشته و مجموعه اهداف تبعی ذکر شده دیگر را تحت الشعاع خود قرار داده است، و از سوی دیگر، فرصت تفکر در مورد سایر کارکردها و نیز جایگاه شهرهای جدید در مجموعه نظام سکونتی کشور و نیز در مجموعه نظام ملی و منطقه ای را محدود کرده است.

این در حالی است که جایگاه شهرهای جدید در سیاست ملی شهرنشینی و نیز در نظام شبکه شهری کشور و نیز در مجموعه نظام برنامه ریزی کشور به درستی تبیین و تعیین نشده است. جایگاه قانونی این گونه شهرها به روشنی مشخص نیست و چارچوبهای قانونمندی در مورد مکانیابی و اولویت ایجاد و توسعه شهرهای جدید وجود نداشته است.

بررسی کلی طرح های راهبردی - مکانیابی نشان می دهد که غالب آنها بیش از آنکه مبتنی بر بررسی های دقیق کارشناسی و انتخاب مناسب ترین مکان برای ایجاد شهر جدید و ارایه راهبردهای عملی برای ایجاد آنها باشد، با مجموعه ای از اطلاعات کلان و کلی منطقه ای و توجیه ضرورت ایجاد شهر جدید و گزینه مکان

منتخب، راهبردهایی برای نحوه دسترسی شهر جدید، کلیات نحوه تاسیسات زیربنایی و ... ارایه داده اند که در مراحل بعدی مورد تجدید نظر جدید با مجموعه سکونتگاهی پیرامون و مجموعه منطقه عملکردی غافل مانده اند و از ارایه راهکارهای واقع گرایانه برای جذب جمعیت و فعالیت به شهرهای جدید باز مانده اند.

در یک جمع بندی کلی، از ارزیابی به عمل آمده می توان اشاره کرد که در طرح های شهرسازی شهرهای جدید با تکیه بر شرح خدمات روال و روند معمول تهیه و تصویب آنها عمدتاً پاسخگوی نیازها و اهداف شهرهای جدید نبوده است، بلکه تنها در لایه های میانی طرح های آماده سازی تا حدودی در ساختار بخشی این شهرها تاثیر گذار بوده اند که البته ارتباط و اتصال مجموعه آنها برای ایجاد انسجام و هویت کالبدی مشخص مشکل اساسی شهرهای جدید بوده است. همچنین شهرهای جدید اگرچه از شهر اصلی (مادر شهر) تمرکز زدایی می نمایند، اما در مقیاس منطقه شهری، تمرکز را کاهش نداده و بنابراین برای تمرکز زدایی در مقیاس بزرگتر، باید به نوع سوم سیاست های برخورد با مشکلات شهر (برنامه های جامع و راه حل اساسی) روی آورد. شهرهای جدید به مثابه گودالی بر سر راه سیلی هستند که سرانجام پر خواهند شد و سیل به سوی شهر اصلی راه خواهد گشود. باید در فرصت به دست آمده از جمع شدن سیل در گودال ها، برای تغییر مسیر و اساساً توقف قطرات آب در خاستگاه آن بهره برد. این به معنای تدوین سیاست ملی شهرنشینی است. شهرهای جدید، اگر چه راهبرد مواهب توسعه از شهر اصلی به

منطقه شهری و محیط پیرامون را باعث می شوند، ولی چاره ساز عدم تعادل های منطقه ای نیستند و بدین سبب، باید در اندیشه ایجاد شهرهای جدید از نوع دوم (مراکز رشد و توسعه منطقه ای)، همچنین تقویت و تجهیز شهرهای موجود که قابلیت مرکزیت یافتن در مناطق عقب مانده را دارند، بود. تدوین سیاست شهرنشینی در چنین راستایی بوده است.

شهرهای جدید در منطقه شهری با تامین مسکن مناسب و حل ارتباطات کافی با مادر شهر، شاید بتوانند به هدف تمرکز زدایی جمعیتی نزدیک شوند، ولی این کافی نیست؛ باید با سیاست های تشویقی به هدف تمرکز زدایی فعالیت از شهر اصلی نیز دست یافت تا شهرهای جدید صرفاً عملکرد خوابگاهی نداشته و امکان کسب هویت مستقل داشته باشند. شهرهای جدیدی که ساخته می شوند، حداقل باید در حد صرفه جویی های ناشی از اندازه آنها تولید داشته باشند. در این راه به ایجاد نهاد هماهنگ کننده بین بخشی از وزارتخانه های زی ربط نیاز است.

حال اشاره ای هر چند کوتاه به دلایل عدم موفقیت شهرهای جدید می پردازیم:

- الگو برداری صرف از نمونه های خارجی و بومی نبودن ایده ایجاد این شهرها

یکی از علل مهم عدم موفقیت شهرهای جدید در ایران، الگو برداری صرف از نمونه های خارجی و بومی نبودن ایده ایجاد این شهرها بوده است؛ تا آنجا که تمام ماکت ها و مدل های ارایه شده از سوی گروههای مشاور برای احداث شهرهای جدید، نمونه برداری از الگوهای غربی و طرح هایی با متد طرح های مدرنیستی

دهه ۱۹۳۰ است؛ به طوری که حتی آدمک های این ماکت ها همگی دارای ژست فرنگی بوده، به هیچ وجه با فرهنگ و معیشت افراد ساکن شده در این شهرها (عمده مهاجران، طبقات کم درآمد جمعیت شهری و روستایی) در کشور ما تطابق ندارد و این نشان از غیر عملی بودن این الگوهاست. اگر چه بخش هایی از این طرح ها به صورت ناقص اجرا شده و بلا استفاده باقی مانده است (نمونه، دریاچه مصنوعی ایجاد شده در شهر جدید گلپهار) که بیانگر عدم شناخت و درک صحیح مسئولان از نیازهای اجتماعی است، که قصد برنامه ریزی برای آن را دارند (برنامه ریزی از بالا به پایین و غیر مشارکتی).

- تمایل اقشار کم درآمد به ساکن شدن در شهرهای جدید

به نظر پیتر هال^۱ یکی از محدودیت های شهرهای جدید حومه لندن، جذب اقشار و شاغلان متخصص و نیمه متخصص جامعه و عدم توان جذب اقشار کم درآمد و رها کردن آنها در مرکز لندن بوده است (زکاوت، ۱۳۷۲: ۲۸)؛ حال آنکه روند جمعیت پذیری شهرهای جدید در ایران کاملاً عکس عمل کرده است. شهرهای جدید عمدتاً به مکانی برای پایین ترین طبقات اجتماع، که قادر به تأمین مسکن و هزینه های بالای زندگی در مادر شهرها نبوده، تبدیل شده اند، در حالی که شهرهای جدید به عنوان یک نمونه شهری از پیش برنامه ریزی شده بایست پرچم دار شهرسازی آینده می بود که به دلیل نداشتن کارکرد و عملکرد مشخص (شاخصه هر شهر جدید) نتوانسته اند الگوی کاملی از شهر پایدار ارایه دهند، بلکه بیشتر مروج فرهنگ شهرنشینی خود انگیزه

¹ - Peter Hall

هستند. و این احتمال را که در آینده نزدیک به مکانی برای تجمع گتوهای شهری تبدیل شوند، بیشتر تقویت می‌کنند که در این صورت احتیاج به صرف هزینه‌های سنگین برای پالایش بحرانهای به وجود آمده دارند که خود به بحرانی در درون بحران تبدیل خواهند شد (نمونه موردی شهر جدید گلپه‌هار). شهرهای جدید بایستی در کنار قطب کهن مادر شهر که از پتانسیل‌های بسیار بالای برخوردار است، چنان عمل کنند که به راحتی بتوانند افرادی از طبقات متوسط و متوسط به بالای جامعه را جذب نمایند و نماد شهرهای جدید پایدار و پویا باشند، نه سربارهایی برای مادر شهر.

- نداشتن جایگاهی مشخص در نظام سلسله مراتبی

شبکه شهری

سیاست احداث شهرهای جدید در ایران، در چهارچوب یک نظام سلسله مراتبی شبکه شهری به اجرا در نیامد. شهرهای جدید به علت نداشتن عملکرد و نقشی مشخص در نظام شهری، تا به امروز بسیار ناموفق بوده‌اند؛ حتی اگر جمعیتی درآینده جذب کنند، تبدیل به محله‌های مسکونی، کویهای سازمانی و گتوهای شهری، بی روحیه و بی هویت می‌شوند. بنا براین، این سیاست، نه تنها کمکی به تمرکززدایی از کلان شهرها نکرده، بلکه در ایجاد کانون‌های جدید توسعه در مناطق عقب مانده کشور نیز موفق نبوده است و به عاملی مؤثر برای جذب جمعیت روستایی و مهاجرتهای بیشتر در آینده تبدیل خواهد شد.

- عدم مکانیابی صحیح شهرهای جدید

مدنیت و فرهنگ شهرنشینی در ایران، تمدن قدیمی و پرسابقه‌ای است و آغاز شهرنشینی در این سرزمین را باید حدود سه هزار سال قبل از میلاد بر شمرد (بهنام، ۱۳۵۳: ۴۴۵). در طول این دوره، عوامل طبیعی و اقلیمی ایران نقش مهمی در اسکان جمعیت داشته است. این عوامل ضمن آنکه در تعدد و پراکندگی مراکز زیستی مهم افتاده، اساس و شرایط اقتصادی-اجتماعی جمعیت را نیز دامن زده است (شیعه، ۱۳۸۰: ۱۱)؛ به طوری که ۱۰۱۲ نقطه شهری و ۶۰ هزار نقطه روستایی، تقریباً همگی از این قاعده متأثر بوده‌اند، نتیجه اینکه مردم پیوسته بهترین معیارهای سکونتی را که در تطابق با محیط طبیعی و معیشت شان بوده، انتخاب کرده‌اند. در ارتباط با عوامل طبیعی، شهر ایرانی، خود را به نحوی با محیط مطابقت داده است که گویی خود محیط است. اما در دهه‌های اخیر سیاست فرمایشی ایجاد شهرهای جدید با تجربه پنج هزار ساله شهرنشینی کشور سازگاری نداشته؛ به گونه‌ای که این شهرها هم از نظر مکانیابی در سایت‌های مورد نظر و هم به لحاظ هویتی، با فضای موجود تطابق ندارند. مصدق آن این است که تا قبل از این در شهرهای ایرانی رابطه تنگاتنگی بین انسان و محیط برقرار بود که خود به خود هویت مکان و فضا را نیز مسجل می‌کرد، اما در شهرهای جدید به دلیل عدم چنین رابطه‌ای و نبود برنامه‌ریزی مشارکتی، هویت مکانی - فضایی نیز وجود ندارد.

- عدم وجود سیستم حمل و نقل کارا بین مادر شهر

و شهر جدید

(۱) در سرشماری سال ۱۳۸۵ نیز این روند کاهشی مشهود است.

بطور کلی پیشنهاد «شهرهای جدید» در شرایط کنونی ایران، سیاستی از نوع دوم سیاست های مذکور در برخورد با مشکلات شهری است، یعنی برخورد موردی و غیر جامع. این سیاست شاید بتواند مسایل مورد نظر و دستگاہ بخشی، یعنی تأمین مسکن شهری و ساماندهی توسعه شهری را در مقطعی از زمان پاسخگو باشد اما مشکل بتواند به مسایل اساسی و بنیادین شهرنشینی کشور پاسخ دهد و همچون گذشته، گرایش مهاجرت به شهرهای بزرگ، رشد سریع جمعیت شهرنشین، لاینحل باقی خواهند ماند. و مسأله رکود در برخی مناطق و تمرکز در مناطق دیگر، چاره نخواهد شد. نیاز به تدوین سیاست ملی شهرنشینی در ایران از همین دیدگاه است که سیاستی از نوع سوم را در برخورد با مشکلات شهرنشینی مطرح می سازد.

۴- نتیجه گیری

۴-۱- شهرهای جدید هم از لحاظ محتوا و هم از لحاظ شکل و شیوه ساخت و نظام شهری پدیده ای نو هستند. بنابراین، باید به عنوان یک فرهنگ جدید در نظام شهرنشینی مورد توجه قرار گیرند (شهرنشینی محصول فرهنگ است)؛

۴-۲- شهرهای جدید در هر الگویی که ایجاد شده باشند، فلسفه عمومی ناظر بر ایجاد آنها به سه ضرورت پایه ای زیر اتکا دارد:

فاصله نسبتاً زیاد شهرهای جدید از مادرشهرها (میا نگیں فاصله ۳۵ کیلومتر) (شرکت عمران شهرهای جدید، ۱۳۸۶: ۲۹) و نبود امکانات حمل و نقل عمومی، نظیر مترو و راههای ارتباطی سریع، موجب انزوای شهرهای جدید در نظام شهری کشور شده است، چرا که برخورداری از وسایل ارتباطی سریع و ارزان، به همراه زیرساخت های مناسب همواره یکی از دلایل جذب و اسکان جمعیت به شمار می آید (نگهبان مروی، ۱۳۸۱: ۱۶۱)؛ چنانکه تجربه ایجاد شهرهای جدید در سایر کشورها بیانگر اهمیت حمل و نقل در برنامه ریزی شهری، خصوصاً شهرهای جدید است. برای مثال، یکی از دلایل موفقیت پنج شهر جدید ساخته شده در اطراف شهر سیول، ارتباط آنها به مرکز شهر به وسیله مترو است (معصوم، ۱۳۸۰: ۱۴). اگر دولت ابتدا بستر و زیرساخت های لازم را در رابطه با این شهرها فراهم نکند، سیاست ایجاد شهرهای جدید نیز کمکی به حل بحران موجود در شهرنشینی نخواهد کرد.

- عدم پیش بینی صحیح جمعیت

یکی از دلایل ایجاد شهرهای جدید، بعد از انقلاب، پیش بینی جمعیت ۱۳۰ میلیون نفری و جمعیت شهرنشین ۹۶ میلیونی بود. که بر اساس آمار سال ۱۳۶۵ که نرخ کل باروری خانوار، ۶/۵ درصد و نرخ رشد جمعیت ۳/۷ درصد بود صورت گرفت. اما رشد جمعیت کشور طی سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ به ۱/۹۶ درصد کاهش یافته و بر اساس شاخص های مرکز آمار ایران نرخ باروری کل (TFR) در سال ۱۳۸۱ به ۲/۵ درصد و نرخ تولد خام از ۱۹ درصد در ۱۰۰۰ به ۱/۴ درصد کاهش یافته است (Ziari, 2006, 420). مطابق با جدول

یک راه حل غربی برای مشکلات شهری است. از این رو باید در به کارگرفتن شهرهای جدید به عنوان یک راه حل در ایران ملاحظات لازم همراه با مسایل فرهنگی - اقتصادی و .. صورت گیرد.

۴-۶- شهرهای جدید از هر نوعی که باشند، آثار سه گانه ملی، منطقه ای و محلی دارند. بنابراین، در مطالعه آنها باید به این سه مقیاس توجه کرد و در این توجه به نوع و ماهیت شهرهای جدید و اثر آن در سه مقیاس ذکر شده عمل کرد.

۴-۷- دولت، مردم و متخصصان، سه رکن اساسی مؤثر در شهرهای جدید هستند. در ایجاد شهرهای جدید نباید به یکی از سه قطب مؤثر در تحول و پیدایش شهرهای جدید بیش از حد بها داد.. بها دادن به هر یک از این سه عامل و بی توجهی به هریک از آنها، می تواند به خلق شهر جدیدی ختم شود که نمی تواند نقش خود را درست ایفا کند. (تکیه محض بر دولت مثل فولادشهر، تکیه محض بر مردم مثل اسلامشهر و تکیه محض بر متخصصان مثل صدرا، که هر سه بیانگر شهرهای جدید نامطلوب در ایران هستند.

۴-۸- امروزه توجه به شهرهای کوچک، بویژه میانه و برنامه ریزیهای بلندمدت و راهکارهای بنیادی در توسعه این گونه شهرها، می تواند راه حل مناسبی برای تامین کردن اهدافی باشد که شهرهای جدید از انجام آن عاجز مانده اند.

۵- پیشنهادها

بررسی عملکردی شهرهای جدید ایران، نشان دهنده عملکرد ضعیف این شهرهاست. از زمانی که فکر ایجاد

(الف) کاهش نابرابریهای موجود در نظام مکانها، یا فضاهای جغرافیایی؛

(ب) تضمین پایداری و بقای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی موجود؛

(ج) ایجاد راهی جدید در برنامه ریزی شهری، برای حل مشکلات شهری؛

به عبارت دیگر، شهرهای جدید با هر الگو و اندازه ای و نقشی که ایجاد شوند؛ پاسخگوی نیازهای روزمره، میان مدت و بلندمدت مردمی هستند که در مقیاس یک سرزمین در نظام یکجانشینی و سکونت در فضاهای شهری و روستایی و ... با مشکل مواجه شده اند.

۴-۳- برخلاف شهرهای سنتی، معمولا شهرهای جدید پیوندی شایسته و محکم میان دیروز، امروز و فردای شهروندان برقرار نمی کنند، یعنی شهروند بین میراث گذشته خود، وضع موجود و آینده متصور خود رابطه ای نمی بیند. این وضع سه پیامد مهم در حیات شهری دارد: (الف) دلزدگی ساکنان از محیط خود؛ (ب) بی هویتی فضای شهر؛ (ج) محیط اجتماعی و اخلاقی آسیب پذیر.

۴-۴- عدم تعلق مردم به شهرهای جدید باعث می شود که احساس بیگانگی در این گونه شهرها بیش تر شود. برای نمونه، نبودن قبرستان به عنوان یک کاربری مهم و قسمتی از تجهیزات شهری، در اکثر شهرهای جدید ایران اشاره می شود که نشان دهنده عدم تعلق شهروندان به شهرهای جدید است.

۴-۵- شهرهای جدید به مفهومی که تاکنون در ایران ایجاد شده، محصول اندیشه و فرهنگ مغرب زمین است.

کلان سری آنها می افزایند، که برآیند این مسایل موجبات گسیختگی نظام شهری را فراهم می نماید. هجده شهر جدید کشور تا پایان سرشماری سال ۱۳۸۵، تنها ۲۷۴ هزار نفر جمعیت جذب کرده اند. امروز بعد از گذشت دو دهه از ایجاد شهرهای جدید با یک نگاه انتقادی باید طرح ایجاد شهرهای جدید، در ایران (دوره بعد از انقلاب) را ناموفق دانست و شاید مهمترین عامل آن، مشخص نبودن جایگاه حقیقی این شهرها در نظام سلسله مراتب شهری کشور و عملکرد ضعیف آنها باشد؛ به گونه ای که نیاز به تدوین سیاست ملی شهرنشینی در ایران را ضروری می نماید.

منابع

- ۱- آلام، برکال، (۱۳۸۱)، "ساخت شهرنشینی در کشورهای کمتر توسعه یافته"، گزینه مسایل اقتصادی و اجتماعی، شماره ۷۵، ص ۳۲.
- ۲- آمارنامه ها و سالنامه های آماری سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵
- ۳- اعتماد، گیتی، (۱۳۷۷)، شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه، چاپ سوم.
- ۴- امیر احمدی، حسن، (۱۳۷۵)، توسعه ایران؛ انقلاب و تغییرات، فصلنامه جهان سوم، شماره ۱۷
- ۵- بوالحسنی، مهناز، (۱۳۸۳)، "تأثیر شهرداری بر بازار مسکن"، ماهنامه شهرداری ها، سال ششم، شماره ۶۲.
- ۶- بهفروز، فاطمه، (۱۳۷۴)، زمینه های غالب در جغرافیای انسانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

شهرهای جدید به مفهوم خاص آن رونق گرفت (۱۳۶۴)، به موازات ایجاد ۱۸ شهر جدید به مفهوم خاص در طول دو دهه تا سال ۱۳۸۵ تعداد ۵۴۵ شهر به مفهوم عام با جمعیت زیر ۱۰ هزار نفر ایجاد شده است. سیاست دولت در این شهرها، تنها به ایجاد یک شهرداری و دادن حداقل امکانات مورد نیاز محدود شده است. غفلت دولت از این شهرها و توجه بیش از حد به ۱۸ شهر جدید (دغدغه دولت، برنامه ریزان و مسئولان) موجب تبدیل نقاط با هویت و پایدار دیروز، به شهرهای بی هویت و بی نشان امروز شده است. در همین اثنا، به دلیل بی توجهی به نقاط روستایی در دهه های اخیر و تمرکز زیرساخت ها در تعداد معدودی از مادرشهرها، یا به عبارتی، دافعه روستایی در برابر جاذبه شهری، ساکنان روستاها مجذوب زندگی در شهر می شوند، اما مشکلات فراوان در شهرهای بزرگ، نظیر فقر و بیکاری، نارسایی زیربناها و خدمات رسانی، ناهنجاری های اجتماعی و بویژه کمبود مسکن، آنها را به حاشیه شهرها پرتاب می کند. تعدادی از این افراد به دلیل شرایط مهیا، از جمله امکان ادامه زندگی با فرهنگ پیشین، در شهرهای جدید ساکن می شوند، چرا که می توانند الگوهای روستایی خود را در این شهرها حفظ نمایند (نمونه: افراد ساکن در شهر جدید گلبهار). از طرف دیگر، سرریز جمعیت شهرهای بزرگ که اغلب به مزایای ساکن شدن در مادرشهر آگاهی یافته اند و مفهوم فاصله از قطب های مادرشهری را به خوبی درک کرده اند، به دلیل زیرساخت های نامناسب ارتباطی و عدم ایجاد اشتغال در شهرهای جدید، ساکن شدن در حاشیه مادرشهر را به شهر جدید ترجیح می دهند و بر مشکلات روزافزون کلان شهرها و

- ۷- جوان، جعفر، (۱۳۸۱)، *جغرافیایی جمعیت ایران*، جهاد دانشگاهی، تهران.
- ۸- حاتمی، سید محمد، (۱۳۷۶)، *از دنیای شهر تا شهر دنیا*، چاپ سوم، نشر نی.
- ۹- دانشپور، زهره، (۱۳۸۵)، *دگرگونی مشکلات شهرهای جدید*، مجموعه مقالات تجارب ایجاد شهرهای جدید در ایران و جهان، کتاب اول، شرکت عمران شهرهای جدید.
- ۱۰- زکاوت، کامران، (۱۳۷۲)، *"شهرهای جدید و استراتژی توسعه غیر متمرکز کلان شهرها"*، مجموعه مقالات ارائه شده در کنفرانس بین المللی توسعه شهری و شهرهای جدید، اصفهان.
- ۱۱- زیاری، کرامت الله، (۱۳۷۹)، *برنامه ریزی شهرهای جدید*، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران. سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵.
- ۱۲- شرکت عمران شهرهای جدید، (۱۳۶۸)، *عملکرد شهرهای جدید تا پایان سال ۱۳۶۷*، تهران.
- ۱۳- شیعه، اسماعیل، (۱۳۸۰)، *با شهر و منطقه در ایران*، دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ دوم.
- ۱۴- صرافی، مظفر، (۱۳۶۸)، *ضرورت تدوین سیاست ملی شهرنشینی برای موفقیت شهرهای جدید ایران*، مجموعه مقالات ارائه شده در سیمینار شهرهای جدید.
- ۱۵- فوران، جان، (۱۳۷۸)، *تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه، تدین، احمد، مؤسسه فرهنگی رسا.
- ۱۶- قرخلو، مهدی، (۱۳۸۵)، *جزوه درسی شهرهای جدید*، دانشگاه تهران.
- ۱۷- کامیار، غلامرضا، (۱۳۸۵)، *حقوق شهری و شهرسازی*، انتشارات مجد، چاپ اول، تهران.
- ۱۸- غمامی، مجید، *نگاهی به عملکرد شهرهای جدید در مجموعه شهری تهران*، آبادی، ش ۲۹-۳۰-۳۱.
- ۱۹- معصوم، جلال، (۱۳۸۰)، *"شهرهای جدید؛ ضرورت ها و عملکردها"*، ماهنامه شهرداری ها، شماره ۳۱.
- ۲۰- میسرا، آرپی، (۱۳۷۸)، *"برداشتی نواز مسایل توسعه"*، گزینه مسایل اقتصادی و اجتماعی، شماره ۴۶، صص ۱۵ تا ۱۸.
- ۲۱- نگهبان مروی، محمد، (۱۳۸۱)، *"پایان نامه با عنوان: شهرهای جدید و نقش آنها در تمرکز زدایی از مادرشهرها"* مورد: شهر جدید گلپهار، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۲۲- وزارت مسکن و شهرسازی، (۱۳۶۷)، *برنامه ریزی شهری در پروژه های آماده سازی زمین*، تهران.
- ۲۳- وزارت مسکن و شهرسازی، (۱۳۸۶)، *شرکت عمران شهرهای جدید*، کتاب اطلاع رسانی، چاپ اول.
- 24- Atashi, farhad and Y.S Shirazi Beheshtiha, (1998), *New towns and their practical challenges*, magazine Habitat, vol.22, Now.1.
- 25-Gideon Golang, (1978), "International urban Growth policies", John Wily & Sons Inc.
- 26-Mumford, Lewis, (1961), *the city in history Sandi ego*, Harcourt Brace.
- 27-Ziari, Keramatollah, (2006), *The planning and functioning of new towns in Iran*, Cities, Vol. 23, No. 6, p. 412-422.